

Investigation of the principles of fair trial in criminal courts according to the Criminal Procedure Code of 1392

Habib Mohammad Ali Zadeh Eshkelak¹

Yasser Rashidi²

In the Islamic Republic of Iran, following numerous criminal procedures, the penal code was finally approved in 2013. This regulation pays great attention to detail. The principles of fair trial include principles such as general guarantees, including the right to litigation, Independence and impartiality of the reference authority, the equality of defense facilities, the availability of facilities and adequate defense time, the right to face trial, the right to appeal, the right to open proceedings, the right to be heard within the reasonable period of time, the principle of opposition or opposition, the principle of the legality of crime and punishment, the principle of innocence, The right to know the charges, with the reasons for it, the right to remain silent in the investigation and giving C, prohibition of torture and other ill-treatment during investigation, the right to confront witnesses and ask questions of the other side and so on. And finally, it should be noted that this law has paid a lot of attention to the principles of fair trial than the former laws.

Keywords: principles of fair trial, criminal procedure law, 1392, children and adolescence court, principle of neutrality, provision of defense

¹ Doctor of Criminal Law and Criminology, Court of Appeal of Tehran Branch 63

² PhD student Khorasgan Azad University (Corresponding Author) Yasser.rashidi@yahoo.com

بررسی اصول دادرسی منصفانه در محاکم کیفری با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

حبیب محمدعلی زاده اشکلک*
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

یاسر رشیدی**
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱

چکیده

در جمهوری اسلامی ایران، پس از قانون‌گذاری‌های متعدد در مورد آیین دادرسی کیفری، سرانجام در سال ۱۳۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید این مقرر، توجه زیادی به جزئیات رسیدگی دارد و علیرغم بیان این جزئیات بعضی اصول در رسیدگی مغفول مانده و در بعضی موارد توجهی به زیرساخت‌های مورد نیاز نشده است. به همین خاطر کارایی و کارآمدی قانون، به منصفانه ظهور نمی‌رسد. اصول دادرسی منصفانه، اصولی از قبیل تضمینات عمومی که شامل حق دادخواهی، استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات دفاع، برخورداری از تسهیلات و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدیدنظرخواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول و اصل تقابل یا تناظر، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، حق اطلاع یافتن از اتهامات با ذکر دلایل آن، حق سکوت در تحقیقات و دادرسی، منع شکنجه و دیگر اذیت و آزار در هنگام تحقیقات و رسیدگی، حق مواجهه و طرح سؤال از شهود طرف مقابل و... است. در نهایت باید بیان داشت، این قانون توجه و تمرکز زیادی نسبت به قوانین سابق به اصول دادرسی منصفانه داشته است.

واژگان کلیدی: اصول دادرسی منصفانه، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، دادگاه اطفال و نوجوانان، اصل بی‌طرفی، تدارک دفاع

*دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، رئیس دادگاه تجدیدنظر تهران شعبه ۶۳

Yasser.rashidi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد خوراسگان

مقدمه

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آخرین اراده قانون‌گذار در جمهوری اسلامی ایران برای تنظیم رسیدگی در محاکم کیفری است، در این مقاله تلاش شده است اصول دادرسی منصفانه که در محاکم، لازم‌الاتباع است و در این قانون مورد توجه قرار گرفته است بررسی شود. اصول دادرسی منصفانه عبارت است از: تضمینات کلی که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است (بهادری جهرمی علی، حسینی سیده لطیفه، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ص ۱۰) این تعریف برخلاف عده‌ای که اصول دادرسی منصفانه را تعریفی مضیق کرده و صرفاً مجموعه اصول و مقرراتی دانسته که تضمین‌کننده حقوق متهم می‌باشد (ظریفی، غلامرضا، ۱۳۹۷، ص ۵۹) تعریفی جامع و مانع است. بنابراین این اصول در ادبیات قضایی و در لسان حقوقی به معنای دارا بودن وصف بی‌طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانب‌داری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین به کار برده شده است. (فضائی، مصطفی، ۱۳۸۸ ص ۸۷). در سال ۱۳۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید این مقرر، توجه زیادی به جزئیات رسیدگی دارد. و همان‌گونه که در مقاله نگارش شده است علیرغم بیان جزئیات بیشتری در باب دادرسی منصفانه در این قانون به نسبت قوانین سابق، اما به دلیل عدم توجه به بعضی زیرساخت‌ها، در عمل گاهی توجهی به قانون نمی‌شود یا عمل به قانون مذکور سبب تألمات زیادی برای طرفین و قضات رسیدگی‌کننده می‌شود و حتی گاهی سبب اطاله دادرسی چندین ساله خواهد شد. اصول دادرسی منصفانه، اصولی از قبیل تضمینات عمومی که شامل حق دادخواهی، استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات دفاع (۲)، برخورداری از تسهیلات و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدیدنظرخواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول، اصل تقابل یا تناظر (۳)، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، حق اطلاع یافتن از اتهامات با ذکر دلایل آن، حق سکوت در تحقیقات و دادرسی، منع شکنجه و دیگر اذیت و آزار در هنگام تحقیقات و رسیدگی، حق مواجهه و طرح سؤال از شهود طرف مقابل و... است. (دکتر آشوری، محمد ۱۳۷۶ ص ۴۵) این اصول در اسناد بین‌المللی به رسمت شناخته شده است از جمله این اسناد، اعلامیه جهانی حقوق

بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۵، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها که به‌وضوح این اصول مورد حمایت قرار گرفته‌اند. طبق این اسناد دولت‌ها مکلف به اجرا و تضمین این حقوق برای تمام افراد شده‌اند. این مقاله دارای ۳ قسمت است: قسمت اول: اصول دادرسی منصفانه که ناظر به همه محاکم هستند قسمت دوم: اصول دادرسی منصفانه که به‌صورت خاص در محاکم بدوی باید از آن‌ها تبعیت کرد، این محاکم عبارتند از دادگاه‌های کیفری یک، کیفری دو، اطفال و نوجوانان، بخش و تجدیدنظر قسمت سوم: اصول دادرسی منصفانه‌ای که محاکم تجدیدنظر ملزم به رعایت این اصول هستند. در باب موضوع کلی نگارش شده تألیفات و مقالات متعددی نوشته شده‌است که عبارت‌اند از: دادرسی منصفانه از نظر تا عمل؛ دادرسی عادلانه؛ تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری، بررسی آیین دادرسی کیفری در تحقق دادرسی منصفانه و... اما همه بزرگواران یا اصول دادرسی منصفانه به‌صورت کلی را بیان کرده‌اند و توجه کمتری به قوانین جاری در کشور دارند یا آنکه تمرکز مطالب بیشتر به مرحله تحقیقات مقدماتی و در دادسرا است اما این نوشته تلاش دارد توجه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به اصول دادرسی منصفانه - که در بین کشورهای دنیا مورد قبول اکثریت قرار گرفته است - را بررسی نموده و معایب و مزایای قانون مذکور را در حد وسع این پژوهش بیان نماید.

۱- اصول دادرسی منصفانه ناظر به همه محاکم

در این قسمت اصول دادرسی منصفانه که قانون‌گذار آنها را مقرر کرده است تا همه دادگاه‌های کیفری اعم از بدوی و ثانوی ملزم به تبعیت از آن‌ها باشند مورد مذاکره قرار گرفته‌است.

۱-۱- دادگاه صالح

یکی از اصول دادرسی منصفانه دسترسی به دادگاه صالح و مستقل است، طبق ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یک از نشانه‌های استقلال دادگاه آن‌است که دادگاه به‌موجب قانون تشکیل شده باشد. تقسیم‌بندی دادگاه‌ها در ماده ۲۹۴ قانون

آیین دادرسی کیفری همان اصل تشکیل دادگاه‌ها به موجب قانون است اما ماده مذکور به صورت دقیق نگارش نشده است چراکه دادگاه بخش را از قلم انداخته است و این دادگاه را جزء دادگاه‌های کیفری بیان نکرده است. به نظر می‌رسد اشاره قانون در مواد ۳۳۶-۳۳۷ از قانون مذکور به دادگاه بخش برای توجه به اصل تشکیل دادگاه به موجب قانون کفایت کند. هرچند اگر قانون‌گذار وقتی در ماده ۲۹۴ از قانون مذکور که در مقام بیان انواع دادگاه کیفری بوده، نام دادگاه بخش را می‌آورد مناسب‌تر بود.

۱-۲- علنی بودن

از اصول دادرسی منصفانه این است که رسیدگی به صورت علنی انجام شود تا همگان بتوانند حضور داشته و از رسیدگی مطلع شوند. علنی بودن محاکم از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده است. (۴) (اصل ۱۶۵) دادرسی علنی وضعیتی است که در آن جلسات رسیدگی به اتهام متهم بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی تشکیل و اداره می‌شود. این وضعیت امروزه یکی از مؤلفه‌های مهم دادرسی منصفانه و حقی از حقوق بشر در دعاوی کیفری محسوب می‌شود. عدول از اصل علنی بودن دادرسی، جز در موارد مصرح در قانون که تنها در شرایط دموکراتیک و در نتیجه موازنه منافع و ارزش‌های متعارض تجویز می‌شود، نقض اصول دادرسی منصفانه و نادیده گرفتن حقوق اساسی افراد تلقی می‌شود. به رغم برخی برداشت‌های اولیه که به طور کلی مؤلفه‌های محاکمه منصفانه را حامی حقوق متهم می‌داند، دادرسی علنی متضمن فواید و مصالحی برای جامعه نیز است. (امیدی، جلیل؛ نیکویی؛ سمیه ۱۳۸۷، ص ۲۴) در رسیدگی علنی دقت قاضی برای رسیدگی بیشتر بوده چراکه در زیر ذره‌بین نگاه جامعه قرار دارد و قانون باید تا می‌تواند از این امر حمایت کند. در نظام قضائی اسلام، محاکم به صورت علنی رسیدگی می‌کردند، لذا هرکس می‌توانست در جلسه‌ی محاکمه حضور می‌یافت حتی در صورت مواجه شدن با اشتباه قاضی، به وی تذکر می‌داد (الکتانی، السید محمد عبد الحی؛ جلد اول ص ۲۳۰) به همین خاطر است که قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ در مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ به این مهم، توجه داشته است. در ماده ۳۵۲ اصل را بر علنی بودن محاکم قرار داده است در بند ب همین ماده اشاره شده است که اگر " علنی بودن،

مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی است "پس از اظهار نظر دادستان، دادگاه می تواند قرار غیرعلنی بودن محاکمه را صادر کند. این بند بسیار مبهم، موسع و دارای تفاسیر مختلف است. قانون گذار در مقام تقنین باید تا می تواند از عبارات روشن، دقیق و علمی استفاده کند تا عده ای نتوانند با تفسیر آن، در حقوق مردم خدشه وارد کنند. به نظر می رسد این ماده-۳۵۲- باید به صورت دقیق تری نوشته شود و راه به تفسیرهای موسع ببندد. همچنین سازوکاری که برای تصویب برداری و ضبط جلسه رسیدگی در ماده ۳۵۳ (۵) آمده است نشان دهنده آن است که راه بسیار سختی برای نیل به علنی شدن به معنایی مذکور در بالا وجود دارد.

۱-۳- اصل بی طرفی

ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، وظیفه ی دفاع از کیفرخواست را بر عهده دادستان یا نماینده او قرار داده است در نتیجه وظیفه قاضی دفاع از کیفرخواست نیست و او باید اصل بی طرفی قاضی را رعایت کند و قاضی هیچ گونه تکلیفی برای دفاع از کیفرخواست ندارد. به عبارت دیگر وقتی پرونده در دادگاه رسیدگی می شود قاضی در دادگاه ادامه روند دادرسی نیست بلکه به صورت مستقل و بی طرف باید پرونده را رسیدگی کند و دفاع از کیفرخواست بر عهده دادستان یا نماینده وی است. همچنین در ماده ۳ قانون مذکور از این اصل به صورت خاص نام برده شده است. دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص اهمیت این اصل اظهار می دارد: «به محض اینکه در بی طرف بودن قاضی، شک و تردید موجه به وجود آید، مورد بایستی از موارد رد قاضی محسوب شود. چراکه حفظ بی طرفی ضامن اعتمادی است که در یک جامعه دموکراتیک، شهروندان نسبت به دادگاه ها و مراجع قضایی از خود نشان می دهند.» (آشوری، دکتر محمد، ۱۳۸۳، صص ۳۳۵-۳۳۳) همچنین در ماده ۴۲۱ از قانون آیین دادرسی کیفری موارد رد دادرسی اشاره شده است که این ماده نیز حمایت از اصل بی طرفی قاضی رسیدگی کننده است.

۱-۴- حفظ آبروی طرفین

در این قانون رسیدگی به بعضی از جرائم (۶) مستقیماً بر عهده دادگاه قرار گرفته است و هیچ‌گونه دخالتی در امر تحقیق را بر عهده‌ی نهاد دادرسی جایز نمی‌داند. این جرائم که در ماده ۳۰۶ ذیل عنوان جرائم منافی عفت قرار داده شده‌اند به صورت مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود. در جامعه به محض آنکه فردی متهم به این‌گونه جرائم شد بسیار مورد نکوهش قرار می‌گیرد و از جامعه طرد می‌شود، لذا قانون‌گذار تلاش کرده است تا حد ممکن رسیدگی مخفی‌تر و تحقیق غیرعلنی و توسط افراد محدودتری انجام شود و مثل بقیه جرائم به بحث تحقیق در مورد آن تأکید نشده است. در راستای صیانت از این حق در ماده ۳۵۳ قانون مذکور، انتشار جریان رسیدگی در صورتی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان باشد مجاز نیست. حتی قانون‌گذار در تبصره دو همین ماده اشاره دارد که اگر محاکمه غیرعلنی باشد در هیچ صورت و تحت هیچ مصلحتی نمی‌توان جریان رسیدگی را منتشر کرد.

۱-۵- حق رسیدگی در مهلت معقول و مهیا شدن برای دفاع

از اصول مهم دادرسی منصفانه، داشتن مهلت کافی جهت مهیا شدن برای دفاع است، به موجب اصل تساوی در سلاح، طرفین باید از حداقل‌های حقوقی برخوردار باشند از جمله این‌که به‌طور یکسان به اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشند و فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند (سید فاطمی، سید محمد جلد اول ص ۲۹) وفق ماده ۳۴۳ این قانون، فاصله بین احضاریه تا جلسه رسیدگی باید حداقل هفت روز باشد. قانون سال ۱۳۹۲ در ماده ۳۴۳ این حق را در مورد فاصله مناسب بین احضاریه تا جلسه رسیدگی را به نسبت قوانین قبلی افزایش داده است و این حق متهم را بیشتر در نظر گرفته است و از آن حمایت کرده است. در قوانین قبلی این فاصله سه روز بود. (۷) قانون جدید این فاصله را به ۷ روز افزایش داده است بنابراین متهم زمان مناسب‌تر و بیشتری خواهد داشت تا دفاع متناسب را تهیه و در دادگاه از حق خود دفاع کند. با توجه به اینکه دادرسی به کمک شاکی آمده است و زمان

مناسب برای تهیه ادله علیه متهم داشته است افزایش این زمان از ۳ روزه به ۷ روز مناسب است.

این ماده، حق دفاع و آماده شدن برای دفاع را برای متهم تضمین می‌کند و حتی عذر موجه (۸) متهم نیز می‌تواند باعث شود جلسه رسیدگی به وقت دیگر موکول شود. مهیا بودن برای دفاع آن مقدار حائز اهمیت بوده و حمایت از این حق به حدی لازم است که حسب ماده ۳۴۴ این قانون، اگر محل اقامت متهم معلوم نباشد و نتوانیم به طریق دیگر احضاریه را به او ابلاغ کنیم مفاد احضاریه در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شده و از روز انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی باید حداقل یک ماه فاصله باشد. تا در صورت اطلاع فرد، بتواند خود را مهیا برای دفاع کند.

۱-۶- حق داشتن وکیل

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های حقوق بشر، حقوق متهم، تضمین و حمایت از آن در تمامی مراحل دادرسی در پرتو تمهید سازوکارهای قانونی لازم به منظور برخورداری از حمایت و مساعدت وکیل در فرایند دعاوی کیفری است. تحقق حقوق متهم در امکان بهره‌مندی از وکلای گزینشی، منتخب و رایگان از مبانی و جلوه‌های اساسی حقوق شهروندی تلقی می‌شود. متولیان سیاست جنایی فراملی از رهگذر شماری از اسناد الزام‌آور و ارشادی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای، و سیاست‌گذاران جنایی ایران در سایه مقررات فرا تقنینی، تقنینی، فرو تقنینی حق متهمان در دسترسی به وکیل مدافع و حمایت از داشتن آن را مورد شناسایی و النهایه به رسمیت شناخته‌اند (مهدی‌پور، اعظم؛ تقی‌بی، سید محمدرضا، ۱۹۵، ۱۳۹۵) طرفین در پرونده جزایی بر طبق حقی که ماده ۳۴۶ این قانون برای آن‌ها در نظر گرفته است می‌توانند در دادگاه کیفری دو، ۲ وکیل و در دادگاه کیفری یک، حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کنند. افزایش تعداد وکیل در دادگاه سبب خواهد شد احتمال تضییع حق کمتر شود و هم‌چنین مشارکت چند وکیل در پرونده باعث می‌شود دفاع مناسب‌تری انجام شود؛ و البته این حق برای شاکی نیز وجود دارد چراکه خود را محق می‌داند و وجود چند وکیل باعث می‌شود راهنمایی‌های ایشان سبب تسریع در اثبات حق وی شود. وکلا نمی‌توانند با تبانی و نیامدن در جلسه باعث تأخیر جلسه شوند. هم‌چنین در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب

در امور مدنی ماده ۴۲ تذکر داده شده است در صورتی که یک وکیل در دو جلسه هم‌زمان دعوت شده است و جمع بین آن دو ممکن نیست اولویت برای حضور با دادگاهی است که طبق آیین دادرسی کیفری مشخص شده است.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در دو ماده ۳۴۷ و ۳۴۸ در مورد انتخاب وکیل برای متهم و شاکی اشاره می‌کند دادگاه مکلف شده است وکیل برای متهمی که فاقد تمکن مالی است انتخاب کند در ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ تکلیف دادگاه به انتخاب وکیل برای متهم فاقد تمکن مالی در نظر گرفته شده بود؛ اما برای اولین بار است که در حقوق ایران، انتخاب وکیل برای بزه‌دیده یا شاکی فاقد تمکن مالی، برای دادگاه تکلیف شده است. که این مقرر در تبصره ماده ۳۴۷ آمده است. انتخاب وکیل تسخیری توسط دادگاه، سبب نفی حق انتخاب وکیل تعیینی برای طرفین نمی‌شود و این حق محفوظ است. در تبصره ۳ ماده ۳۴۸ آمده است که تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یک‌بار قابل پذیرش است.

مطابق ماده ۳۴۹ این قانون، اگر بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان، جهتی از جهات رد دادرس وجود داشته باشد مانع از انجام وکالت او شود، این ماده به نحو مناسبی تضمین حق دفاع است. پیش‌بینی که در ماده مذکور آمده است بسیار دقیق و عالمانه است، اگر به متن ماده توجه کنیم خواهیم یافت داشتن رابطه نسبی یا سببی و... بین وکیل تسخیری و طرف مقابل از اسباب رد وکیل تسخیری است، چراکه علاقه‌ای بین وکیل و طرف مقابل وجود دارد و احتمال از بین رفتن حق دفاع مناسب برای متهم بسیار بالا می‌رود؛ اما شاید در بادی امر پرسیده شود رابطه بین وکیل تسخیری و معاونان و شرکا متهم چه تأثیری دارد و چرا باید از علل رد وکیل تسخیری دانست؟ در جواب باید گفت قانون‌گذار برای انجام بهترین وکالت اندیشیده است اگر وکیل تسخیری متهم، با شریک متهم رابطه داشته باشد، این شائبه ایجاد می‌شود؛ به نحوی از متهم دفاع کند که اتهام از شریک متهم که با وکیل رابطه‌ای دارد سلب شده و در این حالت از موکل خود دفاع مناسبی انجام ندهد. این دقت در قانون‌نویسی بسیار مناسب و جای تقدیر و تشکر دارد. ماده مذکور یکی از مواد خوب قانون جدید است. (سید فاطمی، دکتر سید محمد ۱۳۸۲ ص ۶۵)

۱-۷- اصل رسیدگی در مدت مناسب

طبق اصل رسیدگی در مدت مناسب، نباید قانون به طرفین اجازه دهد به بهانه‌های واهی سبب اطاله دادرسی شوند و در نتیجه به بزه‌دیده ظلمی مضاعف وارد آید. حسب ماده ۳۴۵ قانون مذکور، اگر دادگاه حضور متهم را ضروری تشخیص دهد در صورت عدم حضور بدون عذرموجه، برای روز و ساعت معین جلب می‌شود. با توجه به حجم انبوه پرونده‌های کیفری، در صورت عدم حضور متهم در یک پرونده، و تجدید جلسه رسیدگی ممکن است پرونده را در نوبت رسیدگی حداقل دو ماه دیگر قرار دهد، قانون‌گذار با مقرر ۳۴۵ قانون مذکور راه را بر این ظلم به بزه‌دیده مسدود کرد.

۱-۸- اصل حق اطلاع یافتن از اتهامات با ذکر دلایل آن

وفق ماده ۳۵۱ حق مطالعه پرونده توسط طرفین امر کیفری یا وکلای آنها و حتی تهیه تصویر از اوراق پرونده مورد توجه قرار گرفته است این ماده در راستای حمایت و تأکید نسبت به اصل مهیا شدن برای دفاع و حق اطلاع یافتن از اتهامات با ذکر دلایل آن که از اصول دادرسی منصفانه است؛ به تصویب رسید.

۱-۹- ممنوعیت شکنجه

حسب نص ماده ۳۵۶، متهمی که بازداشت است؛ باید آزادانه در جلسه رسیدگی دادگاه حاضر شود و روش‌های از جمله دستبند و زنجیر به پا را به صراحت طرد و ممنوع اعلام کرده است. ضمناً فشار روانی حاصل از وجود چنین وضعیتی باعث می‌شود به راحتی نتواند از خود دفاع کند. این ماده اصل منع شکنجه و اذیت و آزار در هنگام تحقیقات و رسیدگی را مورد توجه قرار داده است.

۲- اصول دادرسی منصفانه در محاکم بدوی

در این قسمت اصول دادرسی منصفانه‌ای بررسی می‌شود که در محاکم بدوی باید رعایت شوند، با توجه به دقت قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ و تمرکز بیشتر به دادگاه کیفری یک و دادگاه اطفال و نوجوانان از حیث رعایت اصول دادرسی منصفانه، در این قسمت در دو مبحث اصول دادرسی منصفانه در دادگاه کیفری یک و دادگاه اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲- اصول دادرسی منصفانه در دادگاه کیفری یک

در این مبحث اصول دادرسی منصفانه‌ای که صرفاً در دادگاه کیفری یک اعمال می‌شوند تشریح شده‌اند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تمهیداتی تعبیه شده‌است که اصول دادرسی منصفانه در دادگاه کیفری یک بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. این تمهیدات مضاف بر آن چیزی است که در فصل اول ذیل عنوان اصول دادرسی منصفانه در همه محاکم بیان شد.

۱-۱-۲- مهیا شدن برای دفاع

در ماده ۳۸۷ قانون‌گذار برای رسیدن به عدالت و کمک به جاری شدن محاکمه عادلانه، وقت مقتضی را برای تدارک ادله و دفاع به متهم می‌دهد. برای استحکام این روش به متهم یا وکیل او اجازه داده است تقاضای تمدید مهلت دهد و مهلت ده روز را به بیست روز ارتقا داده تا بتواند بهتر تدارک دفاع نماید، قانون‌گذار راه صوابی را در پیش گرفته است و جای تقدیر دارد که چنین حمایت‌های را از طرفین انجام داده است.

۲-۱-۲- حق داشتن وکیل

علیرغم ارائه بحث در مورد داشتن وکیل در محاکم کیفری که در قسمت قبل بیان شد، لازم به تأکید است؛ داشتن وکیل در دادگاه کیفری یک حسب مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جزئیات بیشتر و خاصی دارد که نیازمند بحث دقیق‌تری در این قسمت است. در ماده ۳۸۵ قانون مورد بحث قانون‌گذار این اجازه را به طرفین داده است که از سه وکیل می‌توانند استفاده کنند که این ماده از حق تضمین دفاع حمایت می‌کند و با توجه به اهمیت جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک حضور بیش از یک وکیل می‌تواند به طرفین برای رسیدن به حقوق خود کمک کند. این حق مورد تأکید کنوانسیون‌های مختلف (۹) قرار گرفته است. ممکن است متهم یا شاکی، دو یا سه وکیل معرفی کنند و بخواهند با تبانی سبب اطلاع دادرسی به هر دلیلی شوند؛ فقط یکی از آن‌ها در جلسه حضور پیدا کند و بقیه حاضر نشوند تا از این طریق رسیدگی را به زمان دیگری موکول کنند، قانون حضور یکی از وکلا در صورت تعدد وکیل برای تشکیل دادگاه و رسیدگی به پرونده را کافی دانسته است با این پیش‌بینی دیگر امکان تبانی توسط وکلا برای اطلاع دادرسی از بین می‌رود.

با دقت در ماده ۳۴۸ می‌توان دریافت که در جرائم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده (۳۰۲) که مجازات سنگین دارند متهم حتماً باید وکیل داشته باشد تا از تبعات سنگین عدم دفاع مناسب جلوگیری شود؛ اصل تضمین حق دفاع متهم از چنان اهمیتی برخوردار است که در جرائم موضوع بندهای الف ب پ ت ماده ۳۰۲ چنانچه متهم خود وکیل انتخاب نکند یا توان مالی برای انتخاب وکیل نداشته باشد قانون‌گذار قاضی پرونده را ملزم به انتخاب وکیل تسخیری برای چنین متهمی نموده است. (گلدوست جویباری، رجب، ۱۳۹۴ ص ۲۹۲) رسیدگی به این جرائم آن‌قدر اهمیت دارد که عدم حضور وکیل بدون عذر موجه تخلف بوده و دادگاه باید به مرجع صالح (۱۰) مراتب را اعلام کند.

همان‌گونه که در مباحث جرم‌شناسی (۱۱) بیان شده است؛ برچسب "مجرم بودن" بر پیشانی افراد باعث به وجود آمدن چه آثار منفی و نتایج زیان‌باری می‌شود؛ مقنن امکان وکیل تسخیری را تعبیه کرده است تا بتواند از آسیب‌های عدم دفاع مناسب در جرائم مهم و در نتیجه چسبیدن برچسب مجرم به افراد، جلوگیری کند. (۱۲)

در تبصره ۳ ماده ۳۴۸ این قانون آمده است؛ تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یک‌بار قابل پذیرش است. ولی حق تغییر وکیل تسخیری برای بزه‌دیده بی‌بضاعت که در ماده ۳۴۷ به آن اشاره شده است وجود ندارد. حق داشتن وکیل و اصل برابری امکانات دفاع که از مهم‌ترین اصول دادرسی منصفانه است در این دو ماده مورد حمایت قانون قرار گرفته است.

۲-۱-۳- اصل رسیدگی حضوری

اصل رسیدگی حضوری به‌خصوص در جرائم موضوع بندهای (الف، ب، پ و ت) ماده (۳۰۲) آن‌چنان اهمیت دارد که عدم حضور متهم، مانع رسیدگی قلمداد شده است. این توجه به اصل رسیدگی حضوری که از اصول دادرسی منصفانه است در ماده ۳۵۰ قانون مذکور مورد تأکید قرار گرفته است.

۲-۱-۴- تعدد قضاات

یکی از اصول دادرسی منصفانه شرکت طرفین در دادگاهی باصلاحیت و حضور قضاات متعدد است تا اطمینان خاطر بیشتری ایجاد شود که رأی صادرشده به عدالت نزدیک‌تر است. در قانون جدید علاوه بر آنچه در صلاحیت دادگاه کیفری استان مطابق قانون سابق بود، رسیدگی به جرائم با حبس درجه سه به بالا نیز به صلاحیت دادگاه کیفری یک افزوده شد. چون در دادگاه کیفری یک از نظام تعدد قضاات تبعیت می‌شود، در نتیجه رسیدگی به این جرائم که در سابق، زیر نظر یک قاضی رسیدگی می‌شد مطابق قانون جدید در دادگاهی با چند قاضی رسیدگی می‌شود. این مورد از مزایای قانون جدید است. اما از نگاه دیگر حسب قانون سابق (۱۳) به جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس دائم باشد توسط پنج نفر از قضاات رسیدگی می‌شد اما طبق قانون جاری، فقط توسط سه قاضی به جرائم مذکور رسیدگی می‌شود، این ماده از نقاط ضعف قانون مذکور است البته باید بیان داشت نمی‌توان علتی جز کمبود قاضی در قوه قضائیه را مسبب چنین تغییری دانست.

۲-۲- اصول دادرسی منصفانه در دادگاه اطفال و نوجوان

ماده ۷ از حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه کودکان و مواد ۴۰ پیمان حقوق کودک، رعایت اصول و تضمینات اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه را در هنگام تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی به اتهامات کودکان لازم‌الرعایه اعلام کرده‌اند.

از آنجاکه درک کودکان تحت پیگرد قضایی از کیفیت ارتباط بین تصمیمات اتخاذشده مراجع قضایی و عملکرد خود در انطباق شخصیت آنان به ارزش‌های جامعه اهمیت بسزایی دارد و گذشت زمان به لحاظ عقلی، روانی - عاطفی و شرایط خاص اجتماعی موجب گسیختگی ارتباط مذکور می‌گردد (مرعشی، ۱۳۷۸، ص ۱۳) ماده ۲ از مجموعه حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل برای دادرسی ویژه کودکان و همچنین بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۰ پیمان حقوق کودک، صراحت و تأکید در اجتناب از تأخیر غیرضروری در رسیدگی به پرونده اطفال و نوجوانان دارد. (۱۴)

در کنوانسیون حقوق کودک ماده ۳ بند ۱، در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرائی، یا ارگان‌های حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات هست. بعضی اصول دادرسی منصفانه صرفاً در دادگاه اطفال و نوجوان رعایت می‌شوند، در این قسمت اصول دادرسی منصفانه لازم‌الرعایه در محاکم اطفال و نوجوانان بررسی شده است. (۱۵)

۲-۲-۱- دادرسی در غیاب طفل

ماده ۴۱۴ قانون مذکور مشابه ماده ۲۲۶ قانون سابق بر آن، در صورت وجود مصلحت دادرسی در غیاب طفل را تجویز کرده است. قانون‌گذار از کلمه "طفل" استفاده کرده است در نتیجه این مقرر قابل تسری به افراد بالغ نیست، ایراد این دو ماده آن است که چرا بین دختر ۱۲ ساله و پسر ۱۲ ساله تفاوت قائل شده‌اند؟ چرا قانون‌گذار در صورت وجود مصلحت برای دختر ۱۲ ساله برای رسیدگی در غیاب او، این حق را برای او در نظر نگرفته است؟ آیا معیار بلوغ، معیار مناسبی است؟ در نظر گرفتن چنین سازوکار موجهی برای دختران کمتر از پانزده سال با هیچ گزاره فقهی مغایرت نداشته و پیش‌بینی آن برای دختران بسیار موجه و پسندیده است. باید بیان کرد، به هر دلیلی برای پسران کمتر از پانزده سال چنین مقرراتی در نظر گرفته می‌شود، تسری دادن آن به دختران هم سن نیکو بوده و قابل اعمال است.

۲-۲-۲- عدم ضرورت تعیین وکیل برای اطفال و نوجوانان

در ماده ۴۱۵ آمده است "در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع کنند" آیا چنین حکمی درست است؟ چرا قانون‌گذار همان نظر تکلیفی در مورد تعیین وکیل توسط مرجع قضایی برای متهم (۱۶) را به جرائم درجه هفت و هشت نیز تسری نداده است؟ با توجه به اینکه والدین غیرحقوقی نمی‌توانند آن‌گونه که باید و شاید از حقوق فرزندان خود دفاع کنند و هم‌چنین آشنا به مسائل حقوقی نیستند و امکان محکوم شدن کودکان وجود دارد؛ این ماده را باید اصلاح کرده تا شاهد تضييع حقوق کودکان و اثرات منفی محکومیت احتمالی برای کودکان در جامعه نباشیم.

۲-۲-۳- تجدیدنظرخواهی در آراء دادگاه اطفال و نوجوانان

ماده ۴۴۵ قانون مذکور تمامی آراء دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را قابل تجدیدنظرخواهی دانسته است. ضمناً مطابق ماده ۴۴۷ این قانون به عکس آنچه در مورد بزرگسالان وجود دارد؛ دادستان یا مدعی خصوصی نمی‌توانند به استناد اینکه مجازات کمی برای طفل و نوجوان صادر شده است تجدیدنظرخواهی کنند. این دو ماده سبب می‌شود؛ حق تجدیدنظرخواهی به نفع اطفال و نوجوانان، توسعه پیدا کند.

۳- اصول دادرسی منصفانه در دادگاه تجدیدنظر

در این قسمت اصول دادرسی منصفانه‌ای که در دادگاه تجدیدنظر به صورت خاص باید رعایت شود بیان می‌شود.

۳-۱- حق رسیدگی مجدد

پذیرش تجدیدنظرخواهی به عنوان بخشی از فرآیند دادرسی عادلانه به عنوان یک اصل مهم مورد قبول قرار گرفته است (منصورآبادی، ۱۳۸۴، ص ۷۷) اساساً بر طبق بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۷) یکی از حقوق متهم این است که در دادگاه عالی‌تری به اعلام مجرمیت او توسط دادگاه بدوی رسیدگی کند. یکی از اصول دادرسی منصفانه نیز همین حق تجدیدنظرخواهی است.

در سال ۱۳۶۱ این شبهه به وجود آمد که راه‌های اعتراض و تجدیدنظرخواهی با تمسک به غیرقابل خدشه بودن رأی قاضی شرع، محدود گردد. فلذا شورای عالی قضائی در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۳۱ از شورای نگهبان در مورد جواز قابل تجدیدنظر بودن حکم حاکم به طوری که موجب نقض حکم قبلی شود سؤالی مطرح کرد؛ شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۲/۴/۵ اعلام کرد: «تجدیدنظر در حکم حاکم شرع جز در مورد ادعای عدم صلاحیت قاضی از سوی احد متداعیین و در مواردی که حکم مخالف ضروریات فقه و یا غفلت قاضی از دلیل باشد، جایز نیست» (۱۸)

شورای عالی قضائی با وصول این نظر، کلیه دادگاه‌های تجدیدنظر را منحل و با این استدلال که فقهای شورای نگهبان در پاسخ استعلام شورای عالی قضائی در خصوص ماده ۲۱ لایحه قانونی مدنی خاص، رسیدگی تجدیدنظر را فاقد مجوز شرعی دانسته و طبق اصل ۴ ق.ا. کلیه قوانین باید منطبق با موازین شرعی باشد، از

دادگاه‌های تجدیدنظر خواست پرونده‌ها را بدون رسیدگی جهت اجرای حکم به مراجع اولیه عودت دهند و حتی در مواردی هم که حکم تجدیدنظر صادر و پرونده اعاده گردیده بود، ولی اجرانشده بود دادگاه بدوی باید حکم بدوی را اجرا می‌نمود.

ملاحظه می‌شود که نوعی شتاب‌زدگی در صدور بخش‌نامه از سوی شورای عالی قضائی وجود داشت. این امر اعتراضات فراوانی نیز به دنبال داشت، به طوری که مجدداً شورای عالی قضائی اعلام کرد: «نظر شورای نگهبان در خصوص غیرقابل تجدیدنظر بودن احکام دادگاه‌ها درجایی است که قاضی غفلت نکرده باشد و قاضی صلاحیت داشته باشد و حکم مخالف ضروریات فقه نباشد»

قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آن‌ها مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ علی‌رغم نقایص قابل توجهی که داشت باید گامی مهم در جهت رعایت حقوق محکوم علیه‌ها و پیشگیری از اشتباهات قضایی تلقی گردد. (آشوری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲) به خاطر آنکه پس از سالیان متمادی، اعتراض بالاخره در نظام حقوقی جمهوری اسلامی پذیرفته شد

حق رسیدگی مجدد به پرونده از اصول دادرسی منصفانه است. در ماده ۶ قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آن‌ها مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ حق تجدیدنظرخواهی محکوم علیه پذیرفته شده بود؛ اما شاکی حق اعتراض به رأی بدوی را نداشت.

وفق ماده ۱۱ قانون تجدیدنظر آرا دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۷ در صورت وجود جهات رسیدگی مجدد، طرفین حق اعتراض نسبت به رأی بدوی را داشتند. مقنن در مواد ۲۶ از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵؛ ۲۳۹ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ۴۳۳ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۳۹۴ حق رسیدگی مجدد را مورد پذیرش قرار داده است. حسب ماده ۴۳۰ قانون اخیرالذکر حتی در صورتی که طرفین حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط کرده باشند این اسقاط در صورتی پذیرفته شده است که در نزد دادگاه و قاضی صالح انجام شده باشد و الا قانون‌گذار بازهم اعتراض طرفین را می‌پذیرد.

۳-۲- حق رسیدگی حضوری

حق رسیدگی حضوری از اصول دادرسی منصفانه است. در ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به جرائمی که مستوجب مجازات حد، قصاص، و جرائم غیر عمدی مستوجب بیش از نصف دیه و یا جرائم تعزیری درجه چهار و پنج باشد به طور مطلق و در جرائم تعزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس و در سایر جرائم در صورت اقتضاء، دادگاه تجدیدنظر با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری است احضار می‌کند. این احضار برای صیانت از حق رسیدگی حضوری است. و در رسیدگی حضوری هم طرفین و هم وکلا می‌توانند بهتر از حقوق خود یا موکلینشان دفاع کنند؛ و طبق دادرسی ترافعی جواب تک‌تک شبهات احتمالی را بدهند. ضمناً قضات محترم تجدیدنظر اگر سؤالی داشتند می‌توانند در صورت رسیدگی حضوری آن سؤالات را مطرح و به جواب مورد نیاز برسند حتی شاید بعضی حالات و رفتارهای طرفین را ببینند و در مجازات تأثیر دهند (۱۹). مطابق ماده ۲۵۲ (۲۰) قانون آیین دادرسی دادگاه عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸؛ دادگاه تجدیدنظر مختار بود در صورت ناقص بودن تحقیقات در مرحله بدوی یا با بررسی دفاعیات یا ادله ابرازی و اظهارات طرفین، احضار اشخاص ذی‌ربط را لازم بداند آن‌ها را احضار کند. با قانون جدید دادگاه تجدیدنظر مکلف است در هر صورت طرفین را برای رسیدگی مجدد احضار کند. با توجه به تصویب ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه ۱۳۹۴، ابهاماتی به وجود می‌آید:

- ۱- آیا دادگستری فعلی توان اجرای چنین مقرره‌ای را دارد؟
- ۲- اجرای چنین مقرره‌ای باعث می‌شود قضات تجدیدنظر، وقت زیادی را صرف اداره جلسه کنند و دیگر توانی برای مطالعه پرونده‌ها نداشته باشند. چراکه بیشتر وقت و توان قضات، صرف رسیدگی به جلسه دادرسی می‌شود.
- ۳- احضار طرفین برای حضور در جلسه رسیدگی ثانوی، برای مردم نیز هزینه‌هایی در پی دارد. (اگرچه اجباری به حضور نیست و در صورت عدم حضور، رسیدگی انجام خواهد شد).

۴- به عنوان مثال، انبوه پرونده‌ها در بعضی شعب دادگاه تجدیدنظر استان تهران، نوبت رسیدگی به پرونده‌ها به بیش از دو سال بعد موکول می‌شود. آیا شایسته است وقتی مقدمات امری فراهم نباشد با تصویب ماده‌ای، چنین اطاله‌ی دادرسی را ایجاد و مردم را مجبور به روی گرداندن از دادگستری دولتی نماییم و در نتیجه مردم به سمت دادگستری شخصی بروند؟ اساساً چه توجیه عقلایی وجود دارد وقتی از شکایت در داسرا تا صدور رأی تجدیدنظر، حدود دو سال به طول می‌انجامد؛ یک فرد، دادگستری عمومی را برای احقاق حق انتخاب نماید؟

۵- اطاله دادرسی موصوف، به سبب کمبود امکانات و نیروی انسانی موردنیاز در دادگاه‌های تجدیدنظر به وجود آمده است. آیا قبل از تصویب ماده مذکور نباید این مقدمات فراهم می‌شد؟

۶- اطاله دادرسی، تالی فاسدهایی در پی دارد از جمله، خانواده متهمینی که در بازداشت می‌باشند در این مدت چه پناهگاهی دارند؟ ممکن است متهم بیش از زمان محکومیت بدوی در انتظار رأی دادگاه تجدیدنظر باشد؛ و ممکن است رأی برائت او صادر شود. قوه قضائیه به فردی که بیش از یک سال در حبس بوده و سپس رأی قطعی دال بر برائت او صادر می‌شود چه پاسخی می‌دهد؟ و آیا راهکار مواد ۲۵۷-۲۵۸ (۲۱) از قانون مذکور کفایت می‌کند؟

۷- با توجه به حجم زیاد پرونده‌ها، ادامه روند فعلی، شعب تجدیدنظر را به بایگانی تبدیل می‌کند.

علی‌رغم تمامی نکات مثبت موجود در رسیدگی حضوری، دادگستری فعلی توان اجرای ماده ۴۵۰ را ندارد و حتماً باید در اصلاحیه بعدی قانون این مورد بازنگری شود. نتیجه‌گیری

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مورد جزئیات رسیدگی در محاکم، نقاط قوت و مثبت فراوانی دارد و به ضرر قاطع می‌توان گفت از مترقی‌ترین و کاربردی‌ترین قوانین پس از انقلاب اسلامی ایران است. این قانون اصول دادرسی منصفانه را نیز در مواد مختلفی مورد توجه قرار داده است. اصول دادرسی منصفانه از جمله دادگاه صالح، علنی بودن محاکمه، بی‌طرفی قاضی، داشتن وکیل، ممنوعیت

شکنجه و... در این قانون مورد توجه قرار گرفته است. اما علیرغم این نکات مثبت، بی‌توجهی به زیرساخت‌های مورد نیاز در دادگستری از نقاط منفی این قانون است. به‌عنوان مثال رسیدگی حضوری در محاکم تجدیدنظر طبق آنچه بیان شد با مشکلات جدی روبه‌رو است که ان‌شاءالله قوه قضائیه بتواند قضات زیادی را استخدام و امکان سخت‌افزاری از جمله ساختمان تعبیه کند تا اجرای چنین اصلی با معایب بسیار مواجه نشود (با توجه به مشکلات و امکانات فعلی انجام چنین امری غیرممکن است) یا آنکه در اصلاحیه‌های احتمالی بر قانون مذکور به‌صورت موقت این تکلیف قانونی رفع شود. همچنین هرچند قانون‌گذار توجه جدی به بحث علنی بودن محاکم داشته است اما با توجه به ابهامات ماده ۳۵۲ از قانون مذکور، امکان برگزاری دادگاه غیرعلنی با تفسیر موسع از ماده مذکور هموار است؛ لذا باید ماده‌ای تصویب شود که راه را بر این تفسیرها ببندد.

یادداشت‌ها

- (۱) این مقاله مستخرج از پایان‌نامه نویسنده می‌باشد؛ که در سال ۱۳۹۵ شروع به نگارش شده و در سال ۱۳۹۷ از آن دفاع شد.
- (۲) به موجب اصل تساوی در سلاح طرفین باید از حداقل‌های حقوقی برخوردار باشند از جمله این که به طور یکسان به اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشند و فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند (قاری سید فاطمی، سید محمد، ۱۳۹۰، ص ۲۹)
- (۳) دوطرفه بودن دفاع و امکان اعتراض به دفاع هر یک از طرفین توسط دیگری از عناصر لازم یک دادرسی عادلانه است. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). طبق این اصل متهم باید فرصت کافی جهت تمهید دفاع داشت باشد (عباسی، بیژن ۱۳۹۰ ص ۲۳۵)
- (۴) اصل ۱۶۵: محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

- (۵) ماده ۳۵۳- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.
- تبصره ۱- هرگونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است؛ اما رئیس دادگاه میتواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.
- تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتیکه به عللی از قبیل خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان‌پذیر است.
- (۶) جرائم حدی مورد نظر این ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) زنا، لواط، تفخیز، تقبیل و مساحقه است که در کتاب دوم بخش دوم فصول اول و دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذیل مواد ۲۲۱ تا ۲۴۱ به آن‌ها پرداخته است.
- جرم تعزیری مورد نظر این ماده (۳۰۶) آیین دادرسی کیفری مصوب (۱۳۹۲) ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات و مجازات بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ است
- (۷) ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸
- (۸) عذرهای موجه طبق قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ماده ۱۷۸ به این قرار است: الف- نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه‌ای که مانع از حضور شود. ب- بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود. پ- همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود. ت- ابتلاء به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد. ث- متهم در توقیف یا حبس باشد. ج- سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود.
- (۹) به عنوان مثال میثاق حقوق مدنی و سیاسی بند سوم ماده ۱۴

(۱۰) دادرسی انتظامی و کلا

(۱۱) وایت رابرت داگلاس و فینوهانس؛ درآمدی بر جرم و جرم شناسی ترجمه میرروح الله صدیق بطحایی اصل، تهران: موسسه انتشارات دادگستر چاپ سوم ۱۳۸۹ صص ۱۱۹-۱۴۱

(۱۲) ممکن است ایراد نتیجه بعیده از مقدمه مذکور به نظر آید، اما در پاسخ باید بیان شود، با توجه به اهمیت و شدت جرائم قابل رسیدگی در دادگاه کیفری یک هر دفاع بد یا بی دفاعی از متهم، ممکن است سال‌ها برای متهم نتایج زیان باری به جای آورد چرا که حداقل حبس قابل رسیدگی در دادگاه کیفری یک (به جز جرائم مطبوعاتی و سیاسی) ده سال می‌باشد، لذا می‌تبلد قانون‌گذار این پیش‌بینی_وکیل تسخیری_ را در نظر داشته باشد تا از عواقب آن برای فرد و جامعه جلوگیری شود (۱۳) تبصره یک ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱

(۱۴) همانگونه که در کتاب اصول دادرسی منصفانه، آقای دکتر باقر شاملو بیان کرده‌اند نظام رسیدگی در جرائم اطفال به صورت ویژه بوده و تمهیداتی که در قانون جاری اندیشیده شده است گامی بزرگ و روبه جلو می‌باشد. هرچند نیازمند توجه بیشتری در این موضوع می‌باشد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۵۵)

(۱۵) همانگونه که آقای مصطفی السان در مقاله‌ی خود تحت عنوان دادرسی منصفانه برای کودکان نگارش کرده‌بودند (السان، مصطفی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱-۱۸۸) قوانین دادرسی جمهوری اسلامی ایران برای محاکم کیفری که به امر اتهامات کودکان رسیدگی می‌کنند باید سازوکار دقیق‌تر و منسجم‌تری را پیش‌بینی می‌کرد که این امر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ملاحظه شده و در این نوشته به آنها پرداخته شد.

(۱۶) که در مانحن فیه طفل و نوجوان می‌باشد

(۱۷) هرکس مرتکب جرمی اعلام بشود حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالیتری طبق قانون مورد رسیدگی واقع بشود

(۱۸) نکته قابل توجه این است که شورای عالی قضائی در خصوص تجدیدنظر پیش‌بینی شده در ماده ۷۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و ماده ۲۱ قانون دادگاه

مدنی خاص از شورای نگهبان سؤال نمود ولی جوابی که شورای نگهبان داد، کلی بود و شامل همه موارد تجدیدنظر از حکم قاضی می‌شد.

(۱۹) مواد ۳۷-۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

(۲۰) ماده ۲۵۲ - هرگاه دادگاه تجدیدنظر تحقیقات انجام شده در مرحله بدوی را ناقص تشخیص دهد یا بررسی اظهارات و مدافعات طرفین و سایر دلایل ابرازی را مستلزم احضار اشخاص ذی ربط بداند با تعیین وقت آنان را احضار می‌نماید طرفین شکایت می‌توانند شخصاً حاضر شده و یا وکیل معرفی نمایند، در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نخواهد بود.

(۲۱) ماده ۲۵۷ - شخص بازداشت شده باید ظرف ششماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند.

کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر میکند. در صورت رد درخواست، این شخص میتواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون اعلام کند.

ماده ۲۵۸ - رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت شده، در کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضائیه به عمل می‌آید. رأی کمیسیون قطعی است.

کتاب‌نامه

- ۱- آشوری، دکتر محمد، (۱۳۸۳) حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش
- ۲- آشوری، محمد، (۱۳۹۵) آیین دادرسی کیفری - تهران - سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، جلد اول
- ۳- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸
- ۴- السان، مصطفی، (۱۳۸۷)، «ادارسی منصفانه برای کودکان»، مجله حقوق بشر، بهار و تابستان ۱۳۸۷ شماره ۱
- ۵- امیدی، جلیل؛ نیکویی، سمیه، (۱۳۸۷) «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری» پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۵۸
- ۶- بهادری جهرمی علی، حسینی سیده لطیفه، (۱۳۹۳) اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم شماره هفت
- ۷- پیمان حقوق کودک ۱۹۸۹
- ۸- جمعی از نویسندگان، دادرسی منصفانه از نظر تا عمل، (۱۳۹۵) تهران: خرسندی چاپ اول
- ۹- سید فاطمی، دکتر سید محمد، (۱۳۸۲) «مفاهیم کلیدی حقوق بشر در جهان معاصر»، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۴
- ۱۰- سید فاطمی، دکتر سید محمد، (۱۳۹۰) حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش جلد اول
- ۱۱- ظریفی، غلامرضا، (۱۳۹۷)، «بررسی آیین دادرسی کیفری در تحقق دادرسی منصفانه» فصلنامه مطالعات حقوقی شماره ۲۰
- ۱۲- عباسی، بیژن (۱۳۹۰) حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: نشر دادگستر
- ۱۳- فضائی مصطفی، (۱۳۸۸) دادرسی عادلانه (محاکمات کیفری بین‌المللی) تهران: شهر دانش، چاپ سوم
- ۱۴- قانون اساسی ۱۳۶۸
- ۱۵- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

- ۱۶- قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آن‌ها
مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴
- ۱۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- ۱۸- الکتانی، السید محمد عبد الحی؛ نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه؛ بیروت:
شرکه دارالکتاب العربی، چاپ اول
- ۱۹- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۵
- ۲۰- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹
- ۲۱- گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۹۴) آیین دادرسی کیفری منطبق با ق.آ.د.ک.
مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۱ تهران: جنگل، جاودانه، چاپ پنجم
- ۲۲- مجموعه مقالات دکتر محمد آشوری تحت عنوان عدالت کیفری انتشارات
گنج دانش ۱۳۷۶
- ۲۳- مرعشی، حمید، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) (۱۳۷۸)،
مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان، تهران،
چاپ اول، ۱۳۷۸
- ۲۴- منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها
- ۲۵- منصورآبادی، عباس، ۱۳۸۴ «حق تجدیدنظر در فرآیند دادرسی عادلانه»، مجله
حقوق خصوصی، بهار و تابستان شماره ۸
- ۲۶- مهدی پور، اعظم؛ تقی‌بی، سید محمدرضا، (۱۳۹۵)، «حق برخورداری متهم از
وکیل مدافع در دادرسی مراجع کیفری، مظهري از حقوق شهروندی»، فصلنامه اخلاق
زیستی شماره ۲۱
- ۲۷- میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی ۱۹۶۶
- ۲۸- وایت رابرت داگلاس و فینوهانس؛ (۱۳۸۹) درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی
ترجمه میر روح‌الله صدیق بطحایی اصل، تهران: موسسه انتشارات دادگستر چاپ سوم

منابع انگلیسی

۱- African Charter on Human and Peoples' Rights 1986

<http://www.achpr.org/instruments/achpr/> بر گرفته از سایت

برگرفته از American Convention on Human Rights 1969 -۲

سایت

<https://www.cidh.oas.org/basicos/english/basic3.american20%2Fconvention.htm>

برگرفته از European Convention on Human Rights, 1955 -۳

سایت https://www.echr.coe.int/Documents/CP_Italy_ENG.pdf

International Covenant on Civil and Political rights 1966 -۴

برگرفته از سایت

<https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/ccpr.aspx>

The Universal Declaration of Human Rights 1948 -۵

سایت <http://www.un.org/en/universal-declaration-human-rights/>